

## Farsi: Chaos Continues

(Sermon by Cheryl Williams, preached at Footscray Baptist on December 28<sup>th</sup> 2025, (Matthew 2:13-23))

انگار تولد در غار به دلیل نبود محل اقامت پس از یک سفر دشوار (زیرا نیروی اشغالگر می‌خواست شما را بشمارد تا بتواند از شما مالیات بگیرد)، وقتی که شما به طور کامل باردار شده‌اید و سپس چوپانان ناشناس و غریبه به ملاقات شما می‌آیند، کافی نیست، و حتی ملاقات مردان غریبه‌ای که هدایای بسیار گران‌قیمتی می‌آورند و به نوعی می‌دانند که کودک در آخور، کودک مهمی است، آنقدر مهم که حتی برای اطلاع از آن به نزد پادشاه رفته بودند، هرج و مرج ادامه دارد.

به این مردان از شرق هشدار داده شد که به پادشاه برنگردند و به آنها نگویند که کجا و چه چیزی پیدا کرده‌اند، زیرا آنها ستاره را تا زمان توقف آن دنبال کردند. آنها از مسیر دیگری به خانه برمی‌گردند. طولی نکشید که پادشاه متوجه شد که آنها او را فریب داده‌اند و مانع از رفع هرگونه تهدید بالقوه برای قدرت‌ش شده‌اند. او خشمگین می‌شود. با فرض اینکه کودکی که مغ‌ها از او صحبت می‌کردند، بیشتر از دو سال سن نخواهد داشت، او شروع به ... می‌کند. نقشه‌ای مرگبار - کودکان به خاطر خودخواهی یک مرد کشته می‌شدند، مردی که نمی‌توانست فکر کند، شاید مرد دیگری وجود داشته باشد که بتواند مردم را رهبری کند، کسی که می‌توانست مردم را به روشی کاملاً متفاوت - به روشی صلح‌آمیز، دلسوزانه و بدون خشونت - رهبری کند، کسی که مردم را در اولویت قرار می‌داد و نه خودش. هیرودیس به عنوان یک حاکم خشن و بی‌رحم شهرت داشت و در حالی که اتحاد ناپایدار بین روم و تشکیلات سیاسی اورشلیم را مدیریت می‌کرد، سلطنت ناپایداری داشت، جای تعجب نیست که عصبی بود.

یوسف که از چنین وحشتی که در شرف وقوع بود، هشدار داده بود، اندک دارایی‌هایشان را برای ما جمع کرد و خانواده‌اش را جمع کرد و به امن‌ترین جایی که می‌توانست پیدا کند، یعنی مصر، گریخت. من فقط می‌توانم ترس این زوج جوان را تصور کنم. آنها احتمالاً فقط می‌توانستند شب‌ها حرکت کنند تا مورد توجه قرار نگیرند. بدون شک آنها مجبور بودند به دلسوزی دیگران تکیه کنند - شاید برای پنهان کردن آنها، برای غذا دادن به آنها، برای کمک کردن. حدس می‌زنم آنها از جاده‌های اصلی اجتناب می‌کردند، به بوت‌ها و بوت‌ها می‌رفتند. اگر خانواده‌های دیگری هم بودند که همین کار را می‌کردند تا از خود محافظت کنند خانواده‌ها؟ مشخص نیست که رسیدن به مصر چقدر طول کشید و آیا واقعاً آنجا امن بود یا نه، و همچنین نمی‌دانیم که آنها چه مدت آنجا ماندند. تنها زمانی که خبر مرگ هیرود را شنیدند، خطر بازگشت به فلسطین را پذیرفتند. اما نه به یهودیه، زیرا از پسر هیرود که حکومت را به دست گرفته بود می‌ترسیدند، بنابراین در عوض به منطقه جلیل به شهری کوچک به نام ناصره رفتند.

متأسفانه فرار به مکان‌های امن‌تر از فلسطین و جاهای دیگر ادامه دارد. ما می‌دانیم که در چند سال گذشته، مردم به دلیل جنگی که توسط یک نیروی اشغالگر انجام می‌شد و در واقع نسل‌کشی، مجبور به فرار از خانه‌های خود به شمال و جنوب غزه شده‌اند. با این حال، آنها نتوانستند به مصر برسند و کمی امنیت داشته باشند، زیرا اشغالگران در تنها نقطه‌ای که می‌توانستند از غزه به مصر خارج شوند، نگهبانی می‌دادند. ما می‌دانیم که در سراسر میانمار، مردم دائماً توسط حکومت نظامی، چه در داخل و چه در بخش‌هایی از هند و تایلند، آواره می‌شوند و برخی از آنها راه خود را به استرالیا پیدا کرده‌اند. ما در جماعت خود کسانی را داریم که از ترس جان خود از ایران فرار کرده‌اند، زیرا نمی‌توانستند حکومت مذهبی خشونت‌آمیز را در آن تحمل کنند. زمین و فقدان آزادی و شفقت، آنها و خانواده‌هایشان را مجبور به زندگی با آنها کردیم.

# Chaos Continues

(Sermon by Cheryl Williams, preached at Footscray Baptist on December 28<sup>th</sup> 2025, (Matthew 2:13-23))

برای ما که در استرالیا بزرگ شده‌ایم یا مدت زیادی در آنجا زندگی کرده‌ایم، تقریباً غیرممکن است که نوع ترس، آسیب روحی، اضطراب، سردرگمی و عدم اطمینانی را که خانواده عیسی و برادران و خواهران ایرانی و برمه‌ای ما هر روز احساس می‌کنند، درک کنیم. من فقط می‌توانم تصور کنم که چقدر سخت است که در جایی ساکن شوید که مردم اطراف آن آداب و رسوم عجیبی دارند، به زبان عجیبی صحبت می‌کنند، جایی که پیدا کردن کار دشوار است یا در برخی موارد برای شما مجاز نیست که کار کنید و با این حال، باید غذا بخورید، بخوابید و مراقبت‌های پزشکی دریافت کنید. چقدر دشوار است که به مهربانی و/یا ترحم دیگران تکیه کنید، چقدر دشوار است که احساس کنید واقعاً به آنجا تعلق دارید. چقدر دشوار است که به وکلا برای کمک به درخواست ویزا پول بدهید، اما بارها و بارها درخواست رد شود و سپس مجبور شوید در جلسات دادگاه حاضر شوید و با نژادپرستی نهادی روبرو شوید، که فرض می‌کند شما اشتباه می‌کنید و باید ارزش خود را ثابت کنید؟ همه اینها به این دلیل است که شما از حق انسانی خود برای زندگی در امنیت و آزادی استفاده می‌کنید.

تخمین زده می‌شود که در اواسط امسال ۱۱۷.۳ میلیون نفر در جهان آواره شده‌اند. تقریباً ۷۳ میلیون نفر آواره داخلی هستند (یعنی هنوز در کشور خود هستند اما در خانه‌ها یا شهرها یا روستاهای خود نیستند)، حدود ۳۶.۴ میلیون نفر پناهنده هستند، حدود ۸.۴ میلیون نفر به دنبال پناهندگی هستند و تقریباً ۶.۳ میلیون نفر به حمایت بین‌المللی نیاز دارند. همه اینها معادل حدود ۴ برابر جمعیت استرالیا است. در روز کریسمس با برخی از اعضای ایرانی‌مان صحبت می‌کردم و وقتی از آسیب‌هایی که پس از بیش از یک دهه زندگی در اینجا و با این حال زندگی در شرایط عدم اطمینان شدید تجربه می‌کنند، صحبت می‌کردند، دلم شکست. آنها از درد ندیدن بزرگ شدن فرزندان، ندیدن دوباره والدین و دوری از آنها هنگام بیماری و فوتشان صحبت می‌کردند. من نمی‌توانم چنین دردی را تصور کنم و هیچ کلمه‌ای و مطمئناً هیچ پاسخی نداشتم.

عیسی و خانواده‌اش توانستند به وطن خود بازگردند، البته به شهری جدید. عیسی و خانواده‌اش ترس، تراژدی، شرارت و ناامیدی را که بسیاری از دوستان پناهجوی ما تجربه کرده‌اند، می‌دانستند. او می‌دانست که گرفتار شدن در سیاست دیگری چگونه است، او از خشونت و ریختن خون بی‌گناهان خبر داشت. او خشونت را می‌شناخت.

عیسی آمد تا به همه ما نشان دهد که باید راه دیگری هم وجود داشته باشد - راهی برای خوشامدگویی، راهی برای شفقت، راهی برای صلح، راهی برای عشق.

عیسی خدایی را به ما آشکار می‌کند که در میان آشفتگی دنیای ما، خانه خود را در میان ما می‌سازد. عیسی خدایی را به ما آشکار می‌کند که در درد و آشفتگی ما شریک است.

عیسی که ما در این زمان از سال تولدش را جشن می‌گیریم، به عنوان کودکی آسیب‌پذیر آمد، عضوی از خانواده‌ای بود که به حمایت نیاز داشت، پناهنده‌ای بود که به آغوش دلسوزانه کسانی در سرزمینی دیگر نیاز داشت.

همانطور که به اطراف خود، به سراسر جهان نگاه می‌کنیم و بسیاری را می‌بینیم که به استقبال، امنیت، آزادی نیاز دارند - باشد که شفقت، درک، مهربانی و سخاوت روح را تمرین کنیم. باشد که در چهره همه کسانی که آواره شده‌اند، چهره مسیح را ببینیم، که او نیز از گرفتاری یک پناهنده و پناهجو آگاه بود. آمین.